



معرفی و مکان‌یابی شهر کوهگیلویه در قرون میانه اسلامی*

I ذبیح‌الله مسعودی‌نیا^۱
II احمد صالحی‌کاخکی
III سید هاشم حسینی

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۵۸ - ۱۳۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.16.137

چکیده

کوهگیلویه، یکی از شناخته‌ترین جای‌نام‌های دوران اسلامی، در جنوب غرب ایران است که نقش بسیار مهمی در تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی این منطقه داشته است. بیش از هزار سال از ذکر نام کوهگیلویه در منابع تاریخی می‌گذرد، اما تاکنون هیچ‌گونه اشاره‌ای مبنی بر وجود شهری یا استقرارگاهی با نام کوهگیلویه نشده و همواره از آن به عنوان یک ناحیه یا منطقه جغرافیایی یاد شده است. کشفیات اخیر در شهر تاریخی دهدشت نشان می‌دهند که کوهگیلویه در قرون میانه اسلامی نه تنها یک محدوده جغرافیایی، بلکه مهم‌ترین مرکز شهری این منطقه بوده و از اهمیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی مذهبی برخوردار بوده است. این شواهد شامل گنجینه‌ای ارزشمند متشکل از ۱۹۴ سکه تاریخی است که بر روی تعدادی از آن‌ها شهر کوهگیلویه به عنوان محل ضرب این سکه‌ها حک شده است. قرارگیری شهر کوهگیلویه در زمره ضرابخانه‌های این دوره، نشان از اهمیت و جایگاه ویژه این شهر دارد که تاکنون ناشناخته باقی مانده است و از موقعیت جغرافیایی آن نیز اطلاعی در دست نیست. پرسش‌های این پژوهش در حول دو محور است؛ ۱. سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت، به چه دوره‌ای تعلق دارند و در زمان کدام حاکمان ضرب شده‌اند؟ ۲. موقعیت مکانی شهر تاریخی کوهگیلویه با کدام یک از محوطه‌های تاریخی هم‌خوانی دارد؟ بنابراین پژوهش حاضر با هدف مشخص نمودن دوره ضرب سکه‌های کشف شده و مکان‌یابی موقعیت جغرافیایی شهر کوهگیلویه به انجام رسیده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی و رویکرد آن تاریخی-تحلیلی است. مطالعات نشان می‌دهند که سکه‌های مذکور در دوره آق‌قویونلوها ضرب شده‌اند و ضرابخانه کوهگیلویه به عنوان یکی از فعال‌ترین و مهم‌ترین ضرابخانه‌های دوره آق‌قویونلوها و اتابکان لر بزرگ، با شهر تاریخی دهدشت، در شهرستان کوهگیلویه هم‌خوانی دارد که در روند تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی از دوره آق‌قویونلوها به دوره صفویه، به نام شهر دهدشت تغییر نام داده و در گذر زمان، نام کوهگیلویه غبار فراموشی گرفته و از یادها رفته است.

کلیدواژگان: سکه، ضرابخانه کوهگیلویه، آق‌قویونلوها، شهر تاریخی دهدشت.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

II. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
Salehi.k.a@aui.ac.ir

III. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری باستان‌شناسی «ذبیح‌الله مسعودی‌نیا» با عنوان: «بررسی باستان‌شناختی روند تکوین و فراز و نشیب شهر تاریخی دهدشت» در گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان است.

مقدمه

جای نام‌ها بر چگونگی پدیداری آبادی‌ها، شهرها و کشورها دلالت دارند و در بررسی‌ها و مطالعات تاریخی، تاریخ اجتماعی و فرهنگی، کمک مهمی به پژوهشگران در شناخت واقعیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌نمایند (باستانی‌راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۲). «کوهگیلویه» از شناخته‌ترین جای نام‌های منطقه جنوب غرب ایران است که براساس منابع تاریخی، دوران اوج و شهرت آن، به دوره صفویه بازمی‌گردد که از یک ناحیه جغرافیایی، به ایالتی مهم ارتقاء می‌یابد و نقش مهمی در معادلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی منطقه پیدا می‌کند (واله‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۳؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۷). محدوده و گستره جغرافیایی ناحیه کوهگیلویه، از زمان شکل‌گیری تا قرون متأخر اسلامی، بسته به قدرت سیاسی و نظامی حاکمان محلی آن متغیر بوده است، اما به طور کلی و با توجه به توصیفات «حسینی‌فسایی» از گستره این ناحیه در دوره قاجار، می‌توان ناحیه کوهگیلویه را تقریباً با مرزهای سیاسی استان کنونی کوهگیلویه و بویراحمد مطابقت داد (حسینی‌فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۴۶۸).

شرایط اقلیمی و توپوگرافی خاص، در کنار سخت‌گذر بودن مسیرهای مواصلاتی آن با مناطق همجوار به خصوص با مرکز ایران موجب می‌شد تا سیاحان و مورخین تمایل چندانی برای انتخاب این مسیر و گذر از آن نداشته باشند. به همین جهت اغلب منابع تاریخی در مورد این منطقه سکوت اختیار کرده و یا به کلی گویی و ارائه اطلاعات مختصری از آن اکتفاء نموده‌اند؛ این‌گونه محدودیت‌های محیطی را می‌توان مهم‌ترین دلیل کمبود اطلاعات در مورد کوهگیلویه و نیز وضعیت استقرارگاه‌ها و جوامع ساکن در آن، نسبت به مناطق همجوار دانست. کمبود اطلاعات در مورد این منطقه موجب شده تا به ناچار، بسیاری از محققین و پژوهشگران جهت کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از زوایای تاریک و ناشناخته آن، به مدارک و کشفیات نوین باستان‌شناسی، به ویژه آثار و یافته‌های نوشته‌دار متکی و امیدوار باشند.

سکه‌ها از مهم‌ترین یافته‌ها و شواهد باستان‌شناسی هستند که در کنار کاربردهای تجاری، حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد ابعاد و جنبه‌های مختلف جوامع گذشته‌اند. بررسی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت، اطلاعات مفید و مهمی را در مورد وضعیت سیاسی و اقتصادی این منطقه در دوره «آق‌قویونلوها» در اختیار ما قرار داده که مهم‌ترین این اطلاعات، معرفی شهر کوهگیلویه به عنوان یکی از مهم‌ترین ضرابخانه‌های این دوره است که تا پیش از این، هیچ‌گونه اطلاع و شناختی از آن وجود نداشت. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف معرفی و مکان‌یابی شهر کوهگیلویه در قرون میانه اسلامی به مطالعه سکه‌های مکشوف و بررسی و تحلیل منابع تاریخی و نیز مهم‌ترین مراکز شهری منطقه پرداخته است.

پرسش‌های پژوهش: ۱- سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت به چه دوره‌ای تعلق دارند و در زمان کدام حاکمان ضرب شده‌اند؟ ۲- موقعیت مکانی شهر تاریخی کوهگیلویه با کدام یک از محوطه‌های تاریخی هم‌خوانی دارد؟

روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. اطلاعات میدانی این پژوهش براساس مطالعه مجموعه سکه‌های ضرب کوهگیلویه است که در سال ۱۳۸۸ ه.ش.، در قالب یک گنجینه کوچک متشکل از ۱۹۳ سکه نقره‌ای در شهر تاریخی دهدشت کشف شده و امروزه در مخزن موزه باستان‌شناسی شهر یاسوج نگه‌داری می‌شود؛ از این رو با هدف معرفی و مکان‌یابی شهر کوهگیلویه، نخست به معرفی سکه‌های مکشوف با محل ضرب کوهگیلویه پرداخته شده و سپس با بررسی و تحلیل متون و منابع تاریخی قرون میانه و متأخر اسلامی سعی در مکان‌یابی شهر کوهگیلویه در قرون هشتم و نهم هجری قمری شده است.

پیشینه پژوهش

در منابع تاریخی از کوهگیلویه به عنوان منطقه و ناحیه (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۲۶ و ۱۲۷؛ یاقوت حموی، ۱۳۸۳ ج ۳: ۵۵۲؛ بیضوی، ۱۳۸۲: ۳۹؛ شریف‌الدین قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۶۷؛ مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۵۳؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۵۰۰-۱۴۶۸)، به عنوان ولایت (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۱: ۲۷۵-۲۷۲) ایالت (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۲۱-۱۱۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۳-۶۳۹؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۸۵) و گاه بیگلربیگی (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۷؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۲۴) یاد کرده‌اند. در پژوهش‌ها و مطالعات حوزه‌های تاریخ سیاسی و اجتماعی، مردم‌شناسی و تاریخ محلی جنوب غرب ایران و استان کوهگیلویه و بویراحمد به تناوب به کوهگیلویه پرداخته شده است. این پژوهش‌ها بدون علم و آگاهی از وجود شهر کوهگیلویه تلاش نموده‌اند تا با مینا قرار دادن منابع تاریخی، وجه تسمیه، محدوده و جغرافیای تاریخی کوهگیلویه را مشخص نمایند که در این مختصر به دلیل محدودیت موجود و در جهت آشنایی با این منابع، به صورت کلی به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

«هانس گلوبه» در کتاب ارجان و کوهگیلویه از فتح اعراب تا پایان عصر صفویه با ارائه یک تقسیم‌بندی زمانی، مرزهای جغرافیایی، سکونت‌گاه‌ها و نواحی، راه‌های ارتباطی، رودخانه‌ها و مهم‌ترین آثار و کشفیات باستانی موجود در این منطقه را مورد مطالعه قرار داده است. وی نخستین بار در دوره C (از دوران سلجوق تا ایلخانان)، از کوهگیلویه به عنوان «ناحیه» نام برده و براساس منابع تاریخی، قلمرو جغرافیایی و سکونتگاه‌های آن را توصیف می‌نماید (گلوبه، ۱۳۷۵: ۱۱۸-۱۱۴). «احمد اقتداری» در کتاب خوزستان و کوهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی آثار باستانی به مطالعه وجه تسمیه کوهگیلویه، جغرافیای تاریخی و سیاسی و نیز مهم‌ترین آثار باستانی برجای مانده در این منطقه پرداخته است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۵۵۱-۳۶۱). «مجیدی کرایبی» در کتاب تاریخ و جغرافیای کوهگیلویه و بویراحمد، ضمن پرداختن به تاریخ سیاسی و اجتماعی این استان، جغرافیای تاریخی آن در طول تاریخ و نیز وجه تسمیه نام کوهگیلویه را نیز مورد بررسی قرار داده است (مجیدی کرایبی، ۱۳۷۷). «یعقوب غفاری» در پژوهشی مشابه به مطالعه تاریخ سیاسی و اجتماعی این استان پرداخته و براساس منابع تاریخی و منابع معاصر تلاش نموده به بررسی وجه تسمیه کوهگیلویه و جغرافیای تاریخی و سیاسی و نیز مهم‌ترین رویدادهای سیاسی آن از دوران پیش از اسلام تا دوران معاصر بپردازد (غفاری، ۱۳۷۸). جواد صفی نژاد در کتاب عشایر مرکزی ایران، ساختار اجتماعی، اقتصادی ایلات کوهگیلویه و نیز جغرافیای تاریخی و شرایط اقلیمی و زیست محیطی آن را مورد بررسی قرار داده است (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۱۶۸-۱۳۳).

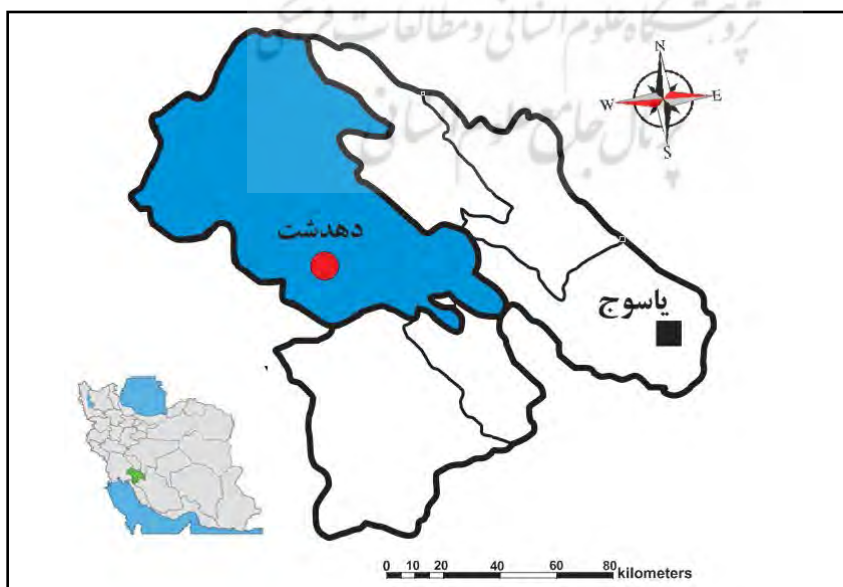
«روشنفکر» و «معینی رودبالی» در مقاله‌ای به «نقش نظامی و سیاسی ایالت کوهگیلویه در دوره صفویه» پرداخته و در آن وجه تسمیه کوهگیلویه، جغرافیای طبیعی و تاریخی کوهگیلویه، و نقش سیاسی و نظامی کوهگیلویه در تثبیت حکومت صفویان را مورد توجه قرار داده‌اند (روشنفکر و معینی رودبالی، ۱۳۹۹). «سیاهپور» نیز با مطالعه جغرافیای تاریخی و سیاسی بهبهان و کوهگیلویه، جایگاه سیاسی و اجتماعی ولایت کوهگیلویه را از سقوط زندیه تا دوره ناصری مورد ارزیابی قرار داده است (سیاهپور، ۱۳۹۵).

هم‌چنان‌که اشاره شد، تاکنون ذکری از شهر کوهگیلویه در این منابع به میان نیامده و در فهرست ضرابخانه‌های ایران کمتر اثری از ضرابخانه کوهگیلویه مشاهده شده است. برای نخستین بار «علاءالدینی» در کتاب سکه‌های ایران از اواخر ایلخانان تا دوره استیلای تیمور گورکان، در بخش سکه‌های اتابکان لر، تصویر سکه‌ای با ضرب کوهگیلویه منتشر کرده است (علاءالدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱) که با وجود اهمیت این سکه، نویسنده از ارائه اطلاعات بیشتر در مورد این سکه و محل کشف آن خودداری و تنها به انتشار تصویر آن اکتفا نموده است. این تصویر تنها اطلاعات ما از سکه‌های ضرب کوهگیلویه را تشکیل می‌دهد.

معرفی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت

ضرب سکه به عنوان یک عمل حاکمیتی، همواره در انحصار حکومت مرکزی بوده و ضرب بدون اجازه حکومت مرکزی، نوعی تمرد و اعلان استقلال و جنگ محسوب می‌شد (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۲۶؛ محمدی‌فر و خونانی، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۵۳). محل ضرب سکه، اشاره به یک مرکز شهری با قدرت سیاسی و اقتصادی برتر و اثرگذاری بر سایر مراکز شهری اطراف خود در سطح منطقه دارد (محمودآبادی و منصوریان، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۸). در واقع ضرب سکه، تنها در مراکز مهم شهری با قدرت تأثیرگذاری بر معادلات سیاسی، اقتصاد و نظامی منطقه و شهرهای پیرامونی و هم‌چنین با کسب اجازه از دولت مرکزی امکان پذیر بوده است. به همین دلیل شهرهای محل ضرب سکه، نشان از میزان اهمیت و جایگاه این شهرها، در آن دوره خاص دارد و با بررسی و مقایسه آن‌ها، ضمن بازشناسی زوایای تاریک و ناشناخته، می‌توان جایگاه سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی مذهبی، رشد و رونق و یا افول شهرها را در هر دوره‌ای نسبت به دوره قبل یا بعد مورد ارزیابی قرار داد.

کمبود اطلاعات تاریخی در مورد منطقه کوهگیلویه و اهمیت سکه‌ها و اطلاعات موثق و قابل اطمینانی که از طریق مطالعه این منابع اطلاعاتی قابل استخراج است، موجب شده تا در این پژوهش به سکه‌های کشف شده از این منطقه پرداخته شود. با وجود کمبود پژوهش‌های باستان‌شناسی در منطقه، تاکنون تعداد چند صد سکه به صورت اتفاقی از شهر تاریخی دهدشت کشف شده که مورد توجه پژوهشگران و محققین قرار نگرفته است. مهم‌ترین مجموعه سکه‌های کشف شده از شهر، مجموعه گنجینه‌ای متشکل از ۱۹۳ سکه نقره‌ای است که در سال ۱۳۸۸ ه.ش.، طی عملیات آواربرداری و مرمت آرامگاه پیرغازی در بخش رواق شهر تاریخی دهدشت در استان کوهگیلویه و بویراحمد کشف شده است (نقشه ۱ و تصاویر ۱ و ۲). این گنجینه کوچک و ارزشمند در عملیات ساماندهی و مرمت دیوار میان بخش گنبدخانه و شبستان آرامگاه به دست آمد که متأسفانه هیچ‌گونه مستندنگاری از نحوه کشف و جاسازی آن در هنگام کشف انجام نگرفته است (تصویر ۳). مطالعات صورت گرفته بر روی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت نشان می‌دهد که ۸۰٪ از این سکه‌ها از نوع سکه‌های سوشارژی و بقیه از نوع سکه‌های ضرب معمولی هستند. سوشارژی یا انگ جدید به معنای ضرب نام، علامت یا اضافه کردن هرگونه اضافات جدید بر روی



نقشه ۱. موقعیت شهر تاریخی دهدشت و شهرستان کوهگیلویه تا پیش از تفکیک شهرستان‌های بهمئی، لنده و چرام، از آن (<http://irannama.iran.ir/106/-/wiki/Main>).



تصویر ۱. شهر تاریخی دهدشت و موقعیت آرامگاه پیرغازی تا پیش از رشد و گسترش شهر جدید دهدشت در دهه پنجاه هجری شمسی (بایگانی سازمان نقشه‌برداری، ۱۳۹۶).



تصویر ۲. مجموعه آرامگاهی پیرغازی در میان بافت مسکونی امروزی (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۳. محل کشف مجموعه سکه‌های مورد مطالعه در مجموعه آرامگاهی پیرغازی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

سکه دوره‌های قدیمی‌تر است، بی‌آن‌که تغییری در ماهیت یا شکل ظاهری آن‌ها ایجاد شود (شهبازی‌فراهانی، ۱۳۸۰: ۴۴). ضرب این نوع سکه‌ها در دوره ایلخانی رایج و در دوره آق‌قویونلوها به اوج خود می‌رسد که می‌توان دلایل مختلفی چون کیفیت مناسب سکه‌های دوره قبل (مشکور، ۱۳۵۲: ۴۳۶-۴۳۷)، جنگ‌های مداوم با همسایگان و یا جنگ‌های خانوادگی میان مدعیان حکومت (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۲۳۸) را برای رواج این سکه‌ها مطرح نمود.

سکه‌های مکتشف به دوره حکومت ترکمانان آق‌قویونلو و دوره زمامداری «اوزون حسن» (۸۸۲-۸۵۷ ه.ق.) تا سلطان محمد (۹۰۶ ه.ق.) تعلق دارد و نام شش تن از حاکمان آق‌قویونلوها با نام شهرهایی چون: شیراز، جهرم، ارزنجان، هندوان، اصفهان، تبریز و کوهگیلویه به‌عنوان محل ضرب دیده می‌شود. این سکه‌ها از ارزش مطالعاتی یکسانی برخوردار نیستند، چراکه نوشته‌های برخی از این سکه‌ها در اثر عوامل مختلفی چون کیفیت پایین ضرب و یا سایش در اثر استفاده، قابل خواندن نیستند و لذا اطلاعات کافی از آن‌ها قابل برداشت نیست. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، تعداد ۱۴ سکه از این مجموعه در ضرابخانه کوهگیلویه و در زمان سه تن از حاکمان این دوره (سلطان یعقوب، سلطان رستم، سلطان مراد) ضرب شده‌اند.

نخستین بار در زمان «سلطان یعقوب» (۸۹۶-۸۸۳ ه.ق.) نام کوهگیلویه بر روی سکه‌های این دوره ضرب شده است. تعداد کل سکه‌های ضرب‌شده زمان حکمرانی سلطان یعقوب در این مجموعه، هشت سکه است که محل ضرب دو سکه، کوهگیلویه است. متن روی سکه‌های سلطان یعقوب شامل نام، ضرابخانه و سال ضرب است و پشت آن‌ها نیز آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (قرآن مجید، سوره زلزله: آیه ۷) آمده است. وزن این سکه‌ها بین ۵/۰۷ تا ۵/۱۱ گرم در نوسان است که تا حدودی هم‌وزن سکه‌های زمان اوزون حسن هستند و با یکدیگر اختلاف وزن چندانی ندارند (جدول ۱، سکه‌های شماره ۱ و ۲).

سکه‌های زمان «سلطان رستم» (۹۰۲-۸۸۹ ه.ق.) با ۶۴ سکه، به لحاظ آماری، بیشترین تعداد سکه‌های ضرب حکمرانان آق‌قویونلو را در میان این مجموعه به خود اختصاص داده است و وزنی بین ۴/۹۸ تا ۵/۱۱ گرم دارند. از این تعداد، ۵۸ سکه از نوع سکه‌های سوشارژی هستند که اغلب روی سکه‌های دوره تیموری ضرب شده‌اند. روی سکه‌ها نام سلطان و نام ضربخانه و پشت آن‌ها معمولاً آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (همان)، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، نام پیامبر (محمد رسول الله ﷺ) و در یک مورد نام «بایسنقر» به صورت «عدل السلطان بایسنقر» آمده است. ۱۱ عدد از این سکه‌ها ضرب کوهگیلویه است. بنا به دلایل متعددی چون کیفیت پایین ضرب و سایش در اثر استفاده طولانی مدت، اغلب سال ضرب آن‌ها نامشخص است و وزنی بین ۵/۰۱ - ۵/۱۱ گرم دارند (جدول ۱، سکه‌های شماره ۱۳-۳).

سکه‌های مربوط به زمان «سلطان مراد» (?-۹۰۳ ه.ق.)، ۱۹ عدد و همگی بدون سوشارژ و از نوع سکه‌های معمولی هستند. روی این سکه‌ها نام حاکم (السلطان العادل ابوالمظفر مراد/السلطان ابوالمظفر مراد خلدالله ملکه / السلطان العادل ابوالمظفر مراد/مظفر مراد/ ابوالمظفر مراد خلدالله)، محل ضرب و پشت آن «علی / محمد / موسی / الله / محمد» و آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (همان) آمده است. برخلاف سکه‌های حاکمان گذشته، وزن آن‌ها تا حدود زیادی کاهش یافته و دچار نوسان است. وزن این سکه‌ها بین ۱/۲۰ تا ۲/۵۳ گرم است که نشان از وضعیت سیاسی و اقتصادی نابسامان این دوره دارد. از بین این سکه‌ها، یک سکه ضرب کوهگیلویه است که برخلاف سکه‌های قبلی ضرب کوهگیلویه که همگی سوشارژی بودند، این سکه از نوع سکه‌های معمولی است (جدول ۱، سکه شماره ۱۴). در این دوره، مانند اغلب ضربخانه‌ها، از وزن سکه‌های ضربخانه کوهگیلویه به شدت کاسته شده است. وزن این سکه ۱/۲۰ گرم است و در میان ضربخانه‌های دوره «سلطان مراد»، در زمره ضعیف‌ترین ضربخانه‌ها قرار می‌گیرد. این امر به عدم ثبات سیاسی، کشمکش شاهزادگان بر سر قدرت و دوره کوتاه مدت حکومت سلطان مراد بود (خواندمیر، ۱۳۵۳ ج ۴: ۴۴۷-۴۴۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۷۳۵-۷۳۴) که تأثیر منفی بر سکه‌های ضرب کوهگیلویه داشته است.

ضربخانه کوهگیلویه

نخستین بار در دوره اتابکان لر نام کوهگیلویه در لیست ضربخانه‌ها آمده است. این ضربخانه در کنار ایذه، رامهرمز و گندمان، مهم‌ترین ضربخانه‌های این حکومت را تشکیل می‌دادند. روی یکی از سکه‌های دوره اتابکان لر که اخیراً کشف شده، نام کوهگیلویه به عنوان محل ضرب آمده است (علاءالدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱). این سکه دارای تاریخ ۷۵۷ ه.ق.، و فاقد نام حاکم است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که چنین الگویی برای سایر سکه‌های مستقل این دوره نیز وجود دارد. از حاکمان اتابکان لر بزرگ، سکه‌های مستقل کمی برجای مانده و سکه‌های این دوره، اغلب به نام حکومت‌های مقتدرتر هم‌زمان خود چون: ایلخانان، آل‌اینجو، آل مظفر و... ضرب می‌شده است (همان: ۱۷۸-۱۷۷).

اگرچه سکه ضرب کوهگیلویه در این دوره فاقد نام حاکم است، اما براساس مطالعات صورت‌گرفته و با در نظر گرفتن تاریخ ضرب، این سکه متعلق به «نورالوردین سلیمان شاه» (۷۵۷-۷۴۰ ه.ق.) یا «اتابک پیشنگ بن سلغرشاه» (۷۹۲-۷۵۷ ه.ق.) است (مینورسکی، ۱۳۶۲: ۴۳-۴۲؛ کتبی، ۱۳۶۴: ۱۰۹-۱۰۱ و ۵۲)، (تصویر ۳). کشف این سکه نشان می‌دهد که شهر کوهگیلویه قبل از دوره آق‌قویونلوها نیز از اهمیت و اعتبار برخوردار بوده، اما کمتر مورد توجه منابع تاریخی قرار گرفته و از آن نامی برده نشده است.

به نظر می‌رسد تحولات و رویدادهای سیاسی و نظامی و در مرحله گذر و دست‌به‌دست شدن این شهر بین اتابکان لر و آق‌قویونلوها، تأثیر محسوسی در کاهش اهمیت شهر کوهگیلویه نداشته است.

جدول ۱. مشخصات سکه‌های ضرب کوهگیلویه در زمان سه حاکم، سلطان یعقوب، سلطان رستم و سلطان مراد (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره	تصویر پشت و روی سکه	تصویر عبارت ضربخانه برروی سکه‌ها	مشخصات سکه
۱			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان یعقوب وزن: ۰/۹۰۵ گرم متن پشت سکه: عدل حسن بیگ قطر: ۱/۴ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ۸۹۱ ه.ق.
۲			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان یعقوب وزن: ۱/۶ گرم متن پشت سکه: - قطر: ۱/۱ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ۸۹۱ ه.ق.
۳			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان رستم وزن: ۰/۹۰۵ گرم متن پشت سکه: فم‌ن یعمل مثقال ذره خیرا یره قطر: ۱/۶ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ؟
۴			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۰/۱۰۵ گرم متن پشت سکه: فم‌ن یعمل مثقال ذره خیرا یره قطر: ۱/۰۵ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ؟
۵			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۰/۱۱۵ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۴ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ۸۹۹ ه.ق.
۶			جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۰/۱۰۵ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۲ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر

<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۵/۰۲ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۵ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشاز سال ضرب: ؟</p>			<p>۷</p>
<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل سلطان رستم وزن: ۵/۰۱ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۰۴ سانتی‌متر ضخامت: ۲ میلی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه نوع ضرب: سورشاز سال ضرب: ؟</p>			<p>۸</p>
<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۵/۰۷ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۵ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشاز سال ضرب: ؟</p>			<p>۹</p>
<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۵/۰۵ گرم متن پشت سکه: الله محمد محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشاز سال ضرب: ؟</p>			<p>۱۰</p>
<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۵/۰۵ گرم متن پشت سکه: عدل سلطان بایسنقر قطر: ۱/۰۷ سانتی‌متر محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی‌متر نوع ضرب: سورشاز</p>			<p>۱۱</p>

<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۵/۰۸ گرم متن پشت سکه: ؟ محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی متر نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ۸۹۲ ه.ق.</p>			<p>۱۲</p>
<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۵/۰۴ گرم متن پشت سکه: ؟ قطر: ۱/۷ سانتی متر محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی متر نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ؟</p>			<p>۱۳</p>
<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: عدل رستم سلطان وزن: ۵/۰۸ گرم متن پشت سکه: فمن يعمل مثال ذره خیرا یره قطر: ۱/۷ سانتی متر محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۲ میلی متر نوع ضرب: سورشازر سال ضرب: ۸۹۲ ه.ق.</p>			<p>۱۴</p>
<p>جنس سکه: نقره متن روی سکه: السلطان ابوالمظفر مراد خلدالله ملکه وزن: ۱/۲۰ گرم متن پشت سکه: فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره قطر: ۱/۴۸ سانتی متر محل ضرب: کوه کیلویه ضخامت: ۱ میلی متر نوع ضرب: عادی سال ضرب: ؟</p>			<p>۱۵</p>



تصویر ۳. سکه کشف شده از دوره اتابکان لر، ضرب کوه کیلویه (علاء الدینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱).

ضرب سکه‌های متعدد از حاکمان آق‌قویونلو، با ضرب کوهگیلویه که بعضاً از کیفیت و وزن بالایی در میان سایر ضربخانه‌های این دوره برخوردار است، نشان می‌دهد که نه تنها این شهر در دوره گذار از اتابکان به آق‌قویونلوها دچار افول و رکود نشده، بلکه توانسته با حفظ جایگاه گذشته خود تبدیل به یکی از فعال‌ترین و مهم‌ترین ضربخانه‌های این دوره شود.

با وجود اهمیت این شهر در قرون میانه اسلامی، امروزه از نام و مکان دقیق این شهر اطلاعی در دست نیست و کاملاً ناشناخته باقی مانده است. این درحالی است که روشن شدن موقعیت مکانی شهر کوهگیلویه می‌تواند کلیدی برای حل بسیاری از ابهام‌های موجود در حوزه‌های جغرافیای تاریخی، وضعیت سیاسی و اجتماعی و نیز تاریخ محلی این منطقه از ایران در طول قرون میانه اسلامی باشد.

مکان‌یابی شهر کوهگیلویه براساس بررسی و تحلیل منابع تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی

ناحیه یا منطقه کوهگیلویه که منابع تاریخی از آن نام برده‌اند، در طول دوره‌های مختلف حیات اجتماعی خود، دارای قلمرو و محدوده جغرافیایی ناپایداری بوده و بسته به قدرت سیاسی و نظامی حاکمان آن، از گستره مختلفی برخوردار بوده است. در منابع تاریخی هیچ‌گاه از کوهگیلویه به عنوان یک شهر نامی برده نشده و از آن به عنوان ناحیه یا منطقه کوهگیلویه یاد شده است.

در قرون اولیه اسلامی، کوهگیلویه به مناطق کوهستانی بین اصفهان، خوزستان و فارس اطلاق می‌شد که در قرون میانه اسلامی با گسترش و اوج‌گیری قدرت سیاسی و نظامی اقوام کوچ‌نشین ساکن این مناطق - به ویژه «زم‌گیلویه» - قلمرو آن به سمت مناطق پست و هموار جنوبی گسترش می‌یابد (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۲۶؛ یاقوت، ۱۳۸۳: ۵۵۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۶). نفوذ و تداوم سلطه کوچ‌نشینان بر مناطق پست و هموار جنوبی به گونه‌ای بود که به صورت بلندمدت در آن ساکن شده و نام این مناطق به کوهگیلویه تغییر یافت. با توجه به تغییر نام مناطق تحت تسلط زم‌گیلویه به نام این اقوام، امکان تغییر نام شهر قدیمی‌تر در این منطقه نیز محتمل به نظر می‌رسد.

قدیمی‌ترین سکه‌های کشف‌شده با محل ضرب کوهگیلویه به قرون هشتم و نهم هجری قمری، و دوره حکومت اتابکان لر بازمی‌گردد. این امر نشان می‌دهد که شهر کوهگیلویه پیش از دوره آق‌قویونلوها نیز شهری آباد و دارای نقشی فعال در فعل و انفعالات سیاسی، نظامی و اقتصادی این بخش از ایران بوده، که پس از دوره آل بویه و سپس دوره سلجوقیان در اثر عوامل مختلفی چون: عدم ثبات سیاسی، آشوب و ناامنی (مستوفی، ۱۳۹۶: ۱۵۵-۱۵۰؛ ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۴۱)، وقوع بلایای طبیعی (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۲۲-۱۲۱) و شیوع بیماری‌های واگیردار از رونق افتاده است (رایگانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۹؛ گابوه، ۱۳۷۷: ۱۰۲). این شهر با تسلط اتابکان و سپس آق‌قویونلوها در سایه رسیدگی و توجه کافی، تا حدودی رونق گذشته خود را باز یافته و به شهری راهبردی با قدرت تأثیرگذاری فرامنطقه‌ای تبدیل شده است، به گونه‌ای که تبدیل به یکی از مهم‌ترین شهرها و ضربخانه‌های منطقه جنوب ایران می‌شود.

هرچند موقعیت شهر کوهگیلویه ناشناخته مانده، اما با توجه به اهمیت این شهر در قرون میانه اسلامی می‌توان با بررسی محوطه‌های تاریخی این محدوده جغرافیایی، موقعیتی هرچند تقریبی برای آن پیشنهاد داد. براساس بررسی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته (آزادی، ۱۳۸۸)، محوطه‌های تاریخی منطقه کوهگیلویه و حوزه نفوذ آن، تنها دو شهر تاریخی بهبهان و دهدشت، شرایط لازم را (وسعت محوطه، موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی) به عنوان محل احتمالی شهر کوهگیلویه دارا هستند. این دو شهر، مهم‌ترین مراکز شهری ایالت کوهگیلویه در دوره صفویه نیز به شمار می‌رفتند و مرکزیت کوهگیلویه میان این دو مرکز شهری دائماً دست به دست می‌شد

(ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۱: ۲۷۳؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۲۷۳؛ واله‌اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۱) که در ادامه جهت مکان‌یابی شهر کوهگیلویه به این دو شهر بیشتر پرداخته خواهد شد. پیش از شکل‌گیری شهر بهبهان، مهم‌ترین مرکز شهری منطقه، شهر ارجان بود که در طول قرون ۷-۵ ه.ق. در اثر عوامل مختلف انسانی و طبیعی از رونق افتاده و متروک می‌شود (رایگانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰ و ۴۹؛ گاوبه، ۱۳۷۷: ۱۳). قدیمی‌ترین اشاره مبنی بر وجود استقرار به نام «بهبهان» به اواسط قرن ۸ ه.ق. (۷۵۷ ه.ق.) بازمی‌گردد (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۳-۷۲) و از این تاریخ به بعد در منابع تاریخی از بهبهان بیشتر یاد شده است (زرکوب‌شیرازی، ۱۳۵۰: ۵۷). منابع تاریخی تا اواخر قرن هشتم هجری قمری، از بهبهان به عنوان یک استقرارگاه بین‌شهری نام می‌برند، اما به سرعت به شهری با برج و باروی دفاعی ارتقاء یافته است (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۳؛ یزدی، ۱۳۸۷ ج ۱: ۷۰۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ج ۳: ۳۲۳). اطلاعات ما از بهبهان قبل از دوره صفویه تا حدودی مبهم است، اما قدمسلم آن است که اوج رشد و شکوفایی شهر بهبهان به دوره صفویه بازمی‌گردد (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۲: ۶۰۳؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۳۷؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۴۷۵-۱۴۷۴). مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که این شهر از سال ۷۵۰ ه.ق. تا به امروز همواره با نام بهبهان شناخته می‌شود و هیچ‌گونه ابهامی در مورد نام آن در طول قرون هشتم و نهم هجری قمری، وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان شهر بهبهان را با شهر کوهگیلویه که در این برهه زمانی به عنوان یکی از ضرابخانه‌های مهم و فعال به ضرب سکه می‌پرداخت، یکی دانست.

شهر تاریخی دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد، شهرستان کوهگیلویه و در بخش جنوبی شهر جدید دهدشت قرار دارد (نقشه ۱). این شهر مهم‌ترین مرکز شهری دوران اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد است که به دلیل کمبود منابع تاریخی و فقدان کاوش‌های باستان‌شناسی تا حدود زیادی ناشناخته باقی مانده است. از زمان ساخت این شهر اطلاعات دقیقی در دست نیست و نخستین بار در منابع تاریخی اواخر قرن دهم هجری قمری، از آن نام برده شده است (ترکمان، ۱۳۵۰ ج ۱: ۲۷۵-۲۷۲). با وجود این، توصیف منابع این دوره از وضعیت شهر، نشان از حیات و رونق شهر تاریخی دهدشت قبل از دوره صفویه دارد (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۱).

بررسی منابع تاریخی پیش از دوره صفویه هرچند به صورت مستقل، اشاره به وجود استقرارگاه یا شهری به نام دهدشت ندارد، اما براساس توصیفات که از محدوده جغرافیایی استقرارگاه‌ها و شهرهای این منطقه دارند، می‌توانند ما را در شناخت مهم‌ترین شهرهای منطقه‌ای که تحت عنوان «کوهگیلویه» می‌شناسیم، یاری نمایند. منابع تاریخی مهم‌ترین مراکز استقرار منطقه کوهگیلویه در پیش از دوره صفویه را «بلاد شاپور» می‌دانند. نخستین بار «اصطخری» و «مقدسی» در قرن چهارم هجری قمری، به بلاد شاپور اشاره می‌کنند. اصطخری اطلاعات چندانی از آن به دست نمی‌دهد و بلاد شاپور را در زمره نواحی کوره‌شاپور آورده (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۲) و مقدسی هم از بلاد شاپور به عنوان یکی از شهرهای ساخته شده به دست شاپور اول نام برده و از این شهر، در زمره شهرهای کوهستانی «کوره‌ارجان» یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۵-۶۳۱). وی برای مشخص نمودن موقعیت جغرافیایی بلاد شاپور، تنها به ذکر کوهستانی بودن آن اکتفا می‌کند، اما توصیفات «ابن بلخی» (قرون پنجم و ششم هجری قمری) در مورد این شهر، اطلاعات بیشتری از موقعیت آن در اختیار ما قرار می‌دهد. ابن بلخی از واژه «ناحیه» به جای «شهر» برای «بلاد شاپور» استفاده کرده و آن را جزو کوره‌شاپور آورده است؛ وی در مورد وضعیت بلاد شاپور می‌نویسد: «بلاد شاپور میان پارس و خوزستان است. نواحی خراب و به روزگار قدیم سخت آباد بوده است، اما اکنون خراب شده است و گرمسیر معتدل است و آب‌های روان دارد» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۴۱).

با توجه به این‌که رود طاب یا کردستان (مارون فعلی) مرز خوزستان و فارس را در بخش‌های کوهستانی تشکیل می‌داد، می‌توان با مبنا قرار دادن توصیفات مقدسی (مبنی بر کوهستانی بودن)

و ابن بلخی (نزدیکی به مرز خوزستان و فارس)، موقعیت شهر بلاد شاپور را در بخش‌های شرقی رودخانه مارون و در حدود شهر امروزی دهدشت و حوزه نفوذ آن مکان‌یابی نمود؛ جایی که نه تنها نزدیک به مرزهای سیاسی دو ایالت بزرگ ایران بوده، بلکه به دلیل قرارگیری در دامنه کوهستان زاگرس و کوه‌های بزرگی چون: کوه سیاه و نیل، از شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی مناسبی جهت ایجاد زیستگاه و شهری بزرگ برخوردار بوده است.

بعد از توصیفات ابن بلخی تا قرن هشتم هجری قمری، هیچ‌گونه اطلاعی از بلاد شاپور و وضعیت آن موجود نیست، اما می‌توان تصور نمود که این منطقه مانند سایر بخش‌های کوره‌ارجان، تحت تأثیر عوامل مخرب طبیعی و انسانی دچار تغییرات عمیق سیاسی، اجتماعی و تخلیه یا تغییر بافت جمعیتی شده است؛ به عنوان مثال، بین سال‌های ۴۴۴ تا ۴۷۸ هجری قمری، دو زمین‌لرزه در این منطقه به وقوع پیوست که موجب تخریب بسیاری از خانه‌ها و کشته شدن جمع کثیری از اهالی این منطقه شد (ابن اثیر، ۱۳۷۴: ۲۹۴ و ۱۲۱) و یا جنگ‌های آل بویه با خوارج، غارت بنادر گناوه و سینیز توسط قرامطه، جنگ‌های میان سلجوقیان و قرامطه و منازعات اسماعیلیان به نوبه خود موجب از بین رفتن امنیت تجاری و بازرگانی، ویرانی بنادر و از رونق افتادن زندگی شهرنشینی در بلاد شاپور و کوره‌ارجان شد (رایگانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ گاوبه، ۱۳۷۷: ۱۰۲)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که بلایای طبیعی چون خشکسالی و قحطی، زلزله، شیوع بیماری‌های واگیردار، ناامنی ناشی از فعالیت‌های قرامطه و اسماعیلیه و در پی آن، ایجاد ناامنی و تخریب و از بین رفتن بسیاری از زیرساخت‌های کشاورزی تجاری، مهم‌ترین دلایل کاهش حوزه نفوذ و از رونق افتادن کوره‌ارجان و بلاد شاپور بوده باشند.

«عبدالله بیضوی» در قرن هفتم هجری قمری، و شریف‌الدین قزوینی در قرون هفتم و هشتم هجری قمری، در ذکر اقدامات مهم شاپور اول از بلادشاپور نام می‌برند (بیضوی، ۱۳۸۲: ۳۹ و قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۶۷) و در قرن هشتم هجری قمری، حمدالله مستوفی تقریباً توصیفات مشابه ابن بلخی دارد و بلاد شاپور را ناحیه‌ای بین فارس و خوزستان، با هوایی معتدل، آب‌های روان و اکثراً خراب توصیف می‌کند (مستوفی، ۱۳۶۶: ۱۵۲) که احتمالاً در توصیفات خود، از کتاب فارسنامه ابن بلخی بهره گرفته باشد. از توصیفات مستوفی چنین برداشت می‌شود که منطقه و شهر بلاد شاپور تا قرن هشتم هجری قمری، نتوانسته آبادانی و رونق خود را بازیابد و زندگی شهری در این منطقه دچار رکود شده است؛ رکودی که به احتمال ناشی از تغییر موازنه قدرت و تغییر بافت جمعیتی منطقه، از جوامع یکجانشین روستایی و شهری به دامداری و کوچ‌نشینی بود و می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل عدم بازیابی و رونق مجدد زندگی شهرنشینی در این منطقه را تغییر بافت جمعیتی و معیشتی و غلبه معیشت و زندگی کوچ‌نشینی بر زندگی شهرنشینی دانست. این تغییر بافت معیشتی و جمعیتی، کوهستانی بودن و عدم وجود حکومت مرکزی مقتدر، موجب نابسامانی و ناامنی در منطقه و در پی آن، از دست دادن موقعیت ارتباطی و تغییر مسیرهای مواصلاتی شد. با این‌همه در آغاز قرن هشتم هجری قمری، اتابکان لر تلاش‌ها و اصلاحات عمرانی چندی را جهت سامان دادن به این وضعیت و بازگرداندن امنیت و رونق و آبادانی سابق در پیش گرفتند که گزارش «ابن بطوطه» و توصیفاتش که از مشاهدات خود در طول سفر و عبور از قلمرو تحت حکومت اتابکان لر دارد، به خوبی اثر این‌گونه تلاش‌ها و بازگشت نسبی رونق و آبادانی به منطقه را نشان می‌دهد (ابن بطوطه، ۱۳۶۹ ج ۱: ۲۶۹-۲۴۰).

ناامنی‌ها و ویرانی‌های پس از دوره آل بویه ارتباط مستقیمی با گسترش قلمرو «زم‌گیلویه» یا «گیلویه» طی قرون پنجم و ششم هجری قمری دارد. با از بین رفتن قدرت آل بویه و زوال کوره‌ارجان و نیز کاهش قدرت سلجوقیان، اقوام شبانکاره به مرور قدرت خود را در منطقه افزایش دادند و حکومت فارس را در دست گرفتند (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۳۹۲-۳۹۱). تشکیل حکومت

شبانکاره در اوج‌گیری زموم فارس، نقشی چشمگیر و تعیین‌کننده داشت و این امر موجب گسترش قلمرو زم‌گیلویه به عنوان یکی از «زموم»^۲ پنج‌گانه فارس شد. براساس توصیفات مقدسی و «یاقوت حموی»، تا قبل از قدرت‌گیری شبانکاره‌ها مرزهای جغرافیایی و استقرار زم‌گیلویه یا زم‌میجان که دارای معیشت دامداری و کوچ‌نشینی بودند، فقط بخش‌های کوهستانی شمال و شمال شرقی استان امروزی کهگیلویه و بویراحمد، شمال غرب استان فارس و بخش‌هایی از جنوب استان‌های چهارمحال و بختیاری و اصفهان را شامل می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۶؛ یاقوت، ۱۳۸۰ ج ۲: ۵۵۲). پس از این تغییر و تحولات سیاسی، مرزهای جغرافیایی زم‌گیلویه به طور چشمگیری گسترش پیدا کرد و ضمن حفظ قلمرو کوهستانی خود، مناطق و مراکز شهری مناطق پست و هموار جنوبی را که شامل بخش عمده‌ای از کوره‌ارجان، شاپور و بخش‌هایی از خوزستان می‌شد، تحت سلطه خود درآوردند؛ به طوری که در قرون هفتم و هشتم هجری قمری، دیگر استفاده از نام کوهگیلویه جهت مخاطب قرار دادن مناطق ذکرشده متداول شد و «عبدالله بیضوی» در قرن هفتم هجری قمری، و «شریف‌الدین قزوینی» در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری، از این مناطق با عنوان کوهگیلویه و بلاد شاپور را به عنوان بخشی از آن نام بردند (بیضوی، ۱۳۸۲: ۳۹؛ قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

نقطه ابهام و حلقه گمشده در مورد وضعیت بلاد شاپور، به برهه زمانی میانه و اواخر قرن هشتم تا قرن دهم هجری قمری برمی‌گردد. پس از اشاره حمدالله مستوفی به بلاد شاپور در قرن هشتم هجری قمری تا دوره صفویه هیچ‌گونه صحبتی از این شهر به میان نیامده و در مورد رویدادها و وقایع تاریخی آن، اطلاع چندانی در دسترس نیست. با توجه به سکوت مطلق منابع تاریخی در مورد این منطقه، در این برهه زمانی و با در نظر گرفتن همجواری و ارتباط تنگاتنگ این منطقه با بهبهان در طول دوره‌های مختلف، می‌توان رویدادها و حوادث تاریخی این دو منطقه را به یکدیگر تعمیم و پیوند داد. بر این اساس، وضعیت کلی سیاسی این منطقه پس از قرن هشتم هجری قمری، تا دوره صفویه، تا حدودی آرام و به دور از تنش، درگیری و جنگ‌های ویرانگر و خانمان سوز بود و همین امر نیز یکی از دلایل سکوت منابع تاریخی در مورد این منطقه است. آرامش و ثبات نسبی در این برهه زمانی موجب ترغیب و تشویق مردم به زندگی یکجانشینی و استقرار در روستاها و شهرها می‌شود، به گونه‌ای که شهر بهبهان در طی این مدت از یک استقرارگاه کوچک بر سر راه خوزستان به فارس، به سرعت رونق می‌یابد و تبدیل به شهری با برج و بارو می‌شود (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۱-۱۹). چنین وضعیتی برای شهر دهمدشت در پیش از دوره صفویه (قرون هشتم و نهم هجری قمری) نیز قابل تصور است. این شهر برخلاف شهر بهبهان، دارای قدمت و پیشینه شهرنشینی بوده است و بسیاری از زیرساخت‌های لازم برای استقرار زندگی شهرنشینی را دارا بود. همین امر در پیشرفت و بازیابی رونق گذشته آن، به ویژه در دوره آق‌قویونلوها و سپس دوره صفویه، تأثیر عمده‌ای داشته؛ به طوری که با گذشت بیش از دو قرن از سکوت منابع تاریخی، به یک باره در قرن دهم هجری قمری از آن به عنوان شهر دهمدشت و مقر حاکم‌نشین ایالت کوهگیلویه یاد می‌شود (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۱: ۲۷۵-۲۷۲؛ افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۲۱-۱۱۹).

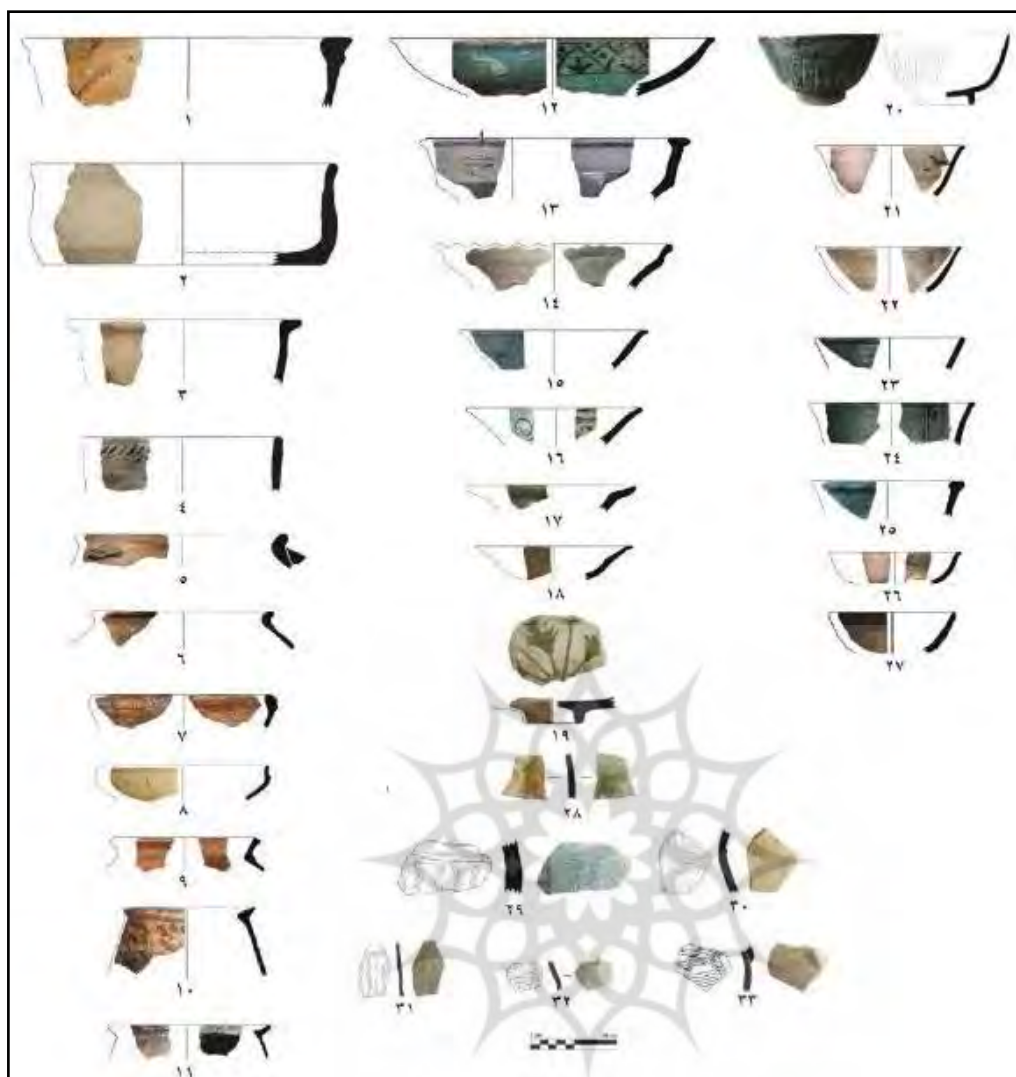
دیگر منابع دوره صفویه در خلال رویدادهای سیاسی از شهر دهمدشت یاد می‌کنند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۳-۶۳۹)، اما کامل‌ترین و جامع‌ترین گزارش در میان منابع تاریخی دوره صفویه که علاوه بر توصیف وضعیت شهر دهمدشت در این دوره، به وضوح موقعیت شهر بلاد شاپور را مشخص نموده و تا حدود زیادی تردیدها در مورد یکی بودن شهر بلاد شاپور با شهر تاریخی دهمدشت را از بین می‌برد، گزارش «حسینی منشی» است که در قرن یازدهم هجری قمری، از نزدیک شهر دهمدشت را مشاهده کرده و به خوبی به توصیف آن پرداخته است. وی ویرانه‌های اطراف شهر دهمدشت را به بلاد شاپور نسبت می‌دهد و در مورد آن می‌نویسد: «از مستحدثات شاپورین اردشیر بابک است.

شهری عظیم بوده و الیوم شهر قدیم خراب است و آثار اطلال و دمن آن ظاهر است. لکن شهر جدید، معمور است و چهل و چهار قریه معمور دارد و...» (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۳۲). در این میان تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی فسایی در مورد منطقه، به‌صراحت ابهام‌ها در مورد موقعیت کوهگیلویه را از میان برمی‌دارد و نشان می‌دهد که شهر کوهگیلویه مانند شهر دهدشت در مناطق کوهستانی منطقه قرار گرفته و فرضیه‌ی یکی بودن این دو شهر را تقویت می‌نماید. وی در این تقسیم‌بندی بخش‌های شمالی و شرقی را که شرایط کوهستانی دارند «کوهگیلویه» و «پشتکوه» و بخش‌های جنوبی و غربی را که موقعیت هموارتری دارند به‌عنوان «بهبهان» و «زیرکوه» معرفی نموده است (حسینی فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۴۶۹-۱۴۶۸).

بررسی و تحلیل تصاویر هوایی مربوط به دهه پنجاه هجری شمسی، نشان‌دهنده آثار حصار قدیمی و ویرانه‌های اطراف حصار متأخر شهر تاریخی دهدشت است (تصویر ۲) و مطالعه یافته‌های باستان‌شناسی هم‌چون قطعات سفالی کشف‌شده از شهر تاریخی دهدشت، بر شکل‌گیری این شهر در پیش از دوره صفویه صحه گذاشته است. بررسی‌ها و مطالعات صورت‌گرفته بر مجموعه یافته‌های سفالی شهر تاریخی دهدشت نشان می‌دهند که برخلاف تصورات و نظریات پیشین، قدمت و حیات اجتماعی شهر تاریخی دهدشت به مراتب بیش از چیزی است که تصور می‌شد و ساخت آن به قرن‌ها پیش از دوره صفویه بازمی‌گردد (تصویر ۴، جدول ۲). می‌توان گفت که باوجود فراز و نشیب‌های تاریخی و جنگ و غارت‌ها و ایجاد وقفه در رونق آن، این شهر به‌واسطه قابلیت‌های زیست‌محیطی، اهمیت سیاسی، موقعیت ویژه ارتباطی و مذهبی خود، توانسته طی قرون متمادی از اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلامی تا دوره قاجاریه به حیات خود ادامه داده و هربار پس از غارت و ویرانی، سر از خاکستر رکود و ویرانی بلند نموده و پس از بازسازی مجدد، خود را به‌عنوان مهم‌ترین مرکز سیاسی، اقتصادی، نظامی و بعضاً مذهبی منطقه و کانون تحولات سیاسی اجتماعی آن مطرح نماید (مسعودی‌نیا، ۱۴۰۰: ۲۲۶-۲۲۵). بر این اساس، می‌توان شهر تاریخی دهدشت را به‌عنوان محتمل‌ترین مکان برای شهر کوهگیلویه قرون میانه اسلامی معرفی نمود.

نتیجه‌گیری

مطالعه صورت‌گرفته بر روی سکه‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت با محل ضرب کوهگیلویه، نشان می‌دهد که این سکه‌ها در دوره تسلط آق‌قویونلوها بر منطقه جنوب غربی ایران و در زمان سه حاکم سلطان یعقوب (۸۹۶-۸۸۳ ه.ق.)، سلطان رستم (۹۰۲-۸۸۹ ه.ق.) و سلطان مراد (؟-۹۰۳ ه.ق.) ضرب شده‌اند. وزن بالا و کیفیت ضرب سکه‌های ضرب کوهگیلویه در مقایسه با سایر ضربخانه‌های این دوره، ضربخانه کوهگیلویه را در رده معتبرترین ضربخانه‌های دوره آق‌قویونلو قرار می‌دهد. این نخستین بار نیست که در شهر کوهگیلویه ضرب سکه صورت می‌گرفت و پیش از این، در اواسط قرن هشتم هجری قمری، اتابکان لر بزرگ در این شهر اقدام به ضرب سکه کرده‌اند. بر همین اساس می‌توان گفت که شهر کوهگیلویه در طول قرون میانه اسلامی نقش مهم و تأثیرگذاری در فعالیت‌های اقتصادی و تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی این منطقه ایفاء کرده است. باوجود اهمیت این شهر در طول قرون میانه اسلامی، عدم شناخت و آگاهی از وجود آن موجب شده تا اطلاعات چندانی از وضعیت دوران قبل و بعد از قرون میانه اسلامی و هم‌چنین موقعیت مکانی این شهر در دسترس نباشد؛ بنابراین در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش، در ارتباط با مکان‌یابی و موقعیت امروزی شهر کوهگیلویه، منابع تاریخی، کشفیات و یافته‌های باستان‌شناسی و نیز نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی مورد استفاده و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در منطقه کوهگیلویه و حوزه نفوذ آن، تنها دو شهر بهبهان و دهدشت شرایط و قابلیت لازم (وسعت محوطه، موقعیت ارتباطی و اقلیمی)



تصویر ۴. بخشی از سفال‌های پیش از قرن ۱۰ ه.ق.، مکشوف از شهر تاریخی دهدشت (نگارندگان، ۱۳۹۹).

جهت مکان‌یابی و پیشنهاد به عنوان محل شهر کوهگیلویه را دارا هستند. منابع تاریخی تأکید دارند که پیشینه و قدمت ظهور شهر بهبهان حداکثر به قرن هشتم هجری قمری، و به صورت استقرارگاه بین‌راهی در مسیر خوزستان به فارس بازمی‌گردد؛ ازسوی دیگر، هیچ‌گونه تردید و ابهامی در مورد پیشینه نام بهبهان از زمان شکل‌گیری آن در قرن ۸ ه.ق.، تا به امروز وجود ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند به لحاظ پیشینه استقرار و نام‌گذاری آن نمی‌تواند ارتباطی با شهر کوهگیلویه‌ای داشته باشد که در قرن هشتم هجری قمری به واسطه اهمیت شهر در آن عمل ضرب سکه صورت می‌گرفت؛ بنابراین تنها محوطه تاریخی منطقه که به لحاظ قدمت و پیشینه تاریخی، وسعت و موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی قابلیت قیاس با شهر کوهگیلویه را دارد، شهر تاریخی دهدشت است. مطالعه یافته‌های باستان‌شناسی هم‌چون سفال‌های مکشوف از شهر تاریخی دهدشت نیز قدمت شهر را به دوره ساسانی و اوایل اسلام برمی‌گرداند که متأسفانه از پیشینه آن اطلاعی موجود نیست و به صورت ناگهانی و در سایه تحولات سیاسی در دوره صفویه معرفی شده است. این در حالی است که در کنار یافته‌های باستان‌شناسی، منابع تاریخی نیز در توصیفات خود از شهر تاریخی دهدشت، اشاره به آثار بسیار قدیمی‌تر در بیرون از حصار شهر و نیز دستور ساخت شهر

جدول ۲. ویژگی‌های فنی و گاهنگاری پیشنهادی بخشی از سفال‌های کشف شده در شهر تاریخی دهدشت (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	توصیف قطعه	قدمت	مقایسه	مأخذ
۱	لبه و بدنه، خمیره قرمز نارنجی، کانی، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب بیرون، نوار زیگزاگ افزوده و نقش فشاری	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم و شیوه تزئین	دره شهر (لک‌پور، ۱۳۹۰: ۴۹۶)، تل‌گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹۹، طرح C) و گیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۰، طرح ۱)
۲	لبه، بدنه و کف، لگن، نخودی، کانی، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب بیرون، نقش فشاری، خطوط اریب	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم	میناب شوشتر (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴: ۲۶۱، طرح‌های ۱۰-۱)
۳	لبه و بدنه، قده، خمیره نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، پخت کافی، پوشش گلابه‌ای رقیق نخودی در بیرون و درون، منقوش، رنگ قهوه‌ای، زیگزاگ روی لبه	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم	تل‌گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳۵، طرح H) مادآباد مرودشت (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۶، طرح ۲۵) سروستان (عسکری چاوردی، ۱۳۸۹: ۵۶، شکل ۷ و طرح ۴۷)
۴	لبه و بدنه، کاسه، خاکستری، کانی، دست‌ساز، پخت ناکافی، پوشش دست مرطوب بیرون، نقش فشاری، خطوط اریب روی لبه	ساسانی و اوایل اسلام	فرم	سرشهد (امیری، ۱۳۹۱: ۱۱۵، طرح ۱۸)
۵	لبه و بدنه، خمره، خمیره خاکستری تیره، کانی، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش کرم درون و بیرون	قرون اولیه اسلام	فرم	سروستان (عسکری چاوردی، ۱۳۸۹: ۶۱، شکل ۱۴۸ و طرح ۱۱)
۶	لبه و بدنه، خمره، خمیره کرم، ترکیبی، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش به رنگ قهوه‌ای، خطوط افقی و زیگزاگ روی سطح بیرونی	اوایل اسلامی - سلجوقی	فرم	تل‌گسر (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۷، طرح G) سروستان (عسکری چاوردی، ۱۳۸۹: ۵۷، شکل ۸ و طرح ۷۴)
۷	لبه و بدنه، قده، خمیره قرمز نارنجی، کانی، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش افزوده و نیش‌گونی، رنگ قهوه‌ای، روی سطح بیرونی و درونی	اوایل اسلامی - سلجوقی	فرم و شیوه تزئین	تل‌گسر (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۷، طرح F) سروستان (عسکری چاوردی، ۱۳۸۹: ۵۴، شکل ۲ و طرح ۸)
۸	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی روشن، کانی، دست‌ساز، پخت ناکافی، پوشش دست مرطوب در درون و بیرون، نقش کرم تیره	قرون اولیه اسلامی	-	-
۹	لبه و بدنه، خمره، خمیره قرمز نارنجی، ارگانیک، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش افزوده و کنده، رنگ قهوه‌ای، نامشخص روی سطح بیرونی	سلجوقی	فرم	تل‌گسر (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲۱)
۱۰	لبه و بدنه، کوزه، خمیره کرم، ارگانیک، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب، منقوش به رنگ قهوه‌ای، افقی و بچه قورباغه‌ای روی سطح بیرونی	ساسانی و اوایل اسلامی	فرم	مادآباد مرودشت (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۶، طرح ۲۱)
۱۱	لبه و بدنه، دیگ، خمیره کرم، کانی، دست‌ساز، خشن، پخت کافی، پوشش دست مرطوب و لعاب در درون، نقوش افزوده و نیش‌گونی، رنگ قهوه‌ای روی سطح بیرونی	ساسانی - قرون اولیه و میانه اسلامی	فرم	مادآباد مرودشت (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۶، طرح ۲۱)، میناب شوشتر (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۲۳۳، طرح‌های ۱-۳) و گیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۲، طرح ۱ و ۲)

۱۲	لبه و بدنه، قده، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سیاه زیر لعاب سبز-آبی، درون نقوش هندسی	قرون ۶ و ۷ ه.ق.	فرم و شیوه تزئین	قم (قربانی رضوان، ۱۳۹۴: ۶۵ و ۷۱) کن بینو بهبهان (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹، طرح ۲۱)
۱۳	لبه و بدنه، قده، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب قهوه‌ای زرد درون و بیرون	سلجوقی - ایلخانی	فرم	مالین خراسان جنوبی (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، قطعه ۳۴) کن بینو بهبهان (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹، طرح ۲۱)
۱۴	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، سبز آبی، نقوش کنده روی لبه	سلجوقی - ایلخانی	فرم و شیوه تزئین	آمل؟ (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۱۶، شماره ۱۲۹)
۱۵	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب زرد درون و بیرون	قرون ۳-۶ ه.ق.	فرم	تل گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶۲، طرح L) (گروبه، ۱۳۸۴: ۳۳، طرح ۲۷)
۱۶	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون زرد و بیرون آبی فیروزه‌ای، نقوش سیاه زیرلعاب زرد و فیروزه‌ای، درون و بیرون نقوش گیاهی و هندسی	قرون ۵-۷ ه.ق.	فرم و شیوه تزئین	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۸، تصویر ۳۳) قم (قربانی رضوان، ۱۳۹۴: ۱۲۷ و ۹۳)
۱۷	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، قالبی، متوسط، پخت کافی، لعاب سبز درون و بیرون	قرن ۱-۸ ه.ق.	فرم	(کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۲۶۰)
۱۸	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب زرد درون و بیرون	قرن ۱-۸ ه.ق.	فرم	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۷، تصویر ۳۱)
۱۹	بدنه و پایه، نامشخص، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون، نقوش سبز لجنی زیرلعاب مات قلعی، درون نقوش هندسی	قرون اولیه اسلامی	شیوه لعاب و تزئین	شهر گور (امیری، ۱۳۹۱: ۱۷۱، طرح ۱۰ جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵، تصویر ۲۶))
۲۰	کامل، کاسه، خمیره نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش کنده زیرلعاب سبز آبی، بدنه، نقوش کنده عمودی	قرون اولیه اسلامی تا قرن ۶ ه.ق.	فرم و شیوه تزئین	(کن بینو بهبهان (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹، طرح ۲۴))
۲۱	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سبز، درون، خطوط عمودی آویزان از لب به صورت موازی و خطوط نامشخص	قرون میانه اسلامی	-	-
۲۲	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سیاه، درون، خطوط عمودی آویزان از لب به صورت موازی	قرون ۴-۷ ه.ق.	فرم و شیوه تزئین	عراق (گروبه، ۱۳۸۴: ۲۹، تصویر ۱۷)
۲۳	لبه، بدنه و پایه، کاسه، خمیره نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب سبز آبی درون و بیرون	قرون اولیه اسلامی	فرم	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۶، تصویر ۲۹)
۲۴	لبه و بدنه، نامشخص، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سیاه زیرلعاب سبز-آبی، درون، نقوش هندسی و گیاهی	سلجوقی	فرم و شیوه تزئین	تل گسر رامهرمز (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸۹، طرح C) وگیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۳، طرح ۴)
۲۵	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، سبز آبی، نقوش کنده روی بدنه	سلجوقی - ایلخانی	فرم و شیوه تزئین	(کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۳۰) آمل؟ (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۱۶، شماره ۱۲۹)

۲۶	لبه و بدنه، کاسه، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش سبز، درون	ساجوقی و ایلخانی	فرم	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۱۰، تصویر ۳۸) و گیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۳، طرح ۴)
۲۷	لبه، بدنه و پایه، کاسه، خمیره نخودی روشن، کانی، چرخ‌ساز، متوسط، پخت کافی، لعاب قهوه‌ای روشن درون و بیرون	سلجوقی	-	-
۲۸	بدنه، نامشخص، خمیره نخودی، کانی، نامشخص، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش زبرلعاب پاشیده، درون، نقوش هندسی	قرون ۷-۴ ه.ق.	شیوه تزئین	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۷، تصویر ۳۴) سرمشهد (امیری، ۱۳۹۱: ۱۱۸، طرح ۴۲)
۲۹	بدنه، نامشخص، قرمز آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش شانه‌ای، فیروزه‌ای، بدنه، نقش شانه‌ای افقی و موج عمودی	قرون اولیه اسلامی	شیوه تزئین و لعاب	تپه‌اشرف (نصوحیان، ۱۳۹۱: ۳۵)
۳۰	بدنه، نامشخص، قرمز آجری، کانی، چرخ‌ساز، پخت کافی، لعاب درون و بیرون، نقوش شانه‌ای، فیروزه‌ای، بدنه، نقش شانه‌ای افقی و موج عمودی	۳-۵ ه.ق.	فرم و شیوه تزئین	-
۳۱	بدنه، نامشخص، قرمز نارنجی، کانی، دست‌ساز، متوسط، پخت کافی، پوشش دست مرطوب بیرون، خطوط کنده نوارهای افقی	ساسانی - قرون اولیه اسلامی	شیوه تزئین	شهرگور (امیری، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۵) دارابگرد (امیری، ۱۳۹۱: ۱۵۶، طرح ۴۴)
۳۲	بدنه، نامشخص، خمیره نخودی مایل به سبز، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، پخت کافی، پوشش گلابه‌ای درون و بیرون، نقوش کنده و فشاری، نقوش حلزونی خطوط افقی و نقطه‌های فشاری افقی روی بدنه	اوایل اسلامی	شیوه تزئین	نیشابور (Wilkinson, 1973: 62, 308) شهرگور (امیری، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۵)
۳۳	بدنه، نامشخص، خمیره نخودی، کانی، چرخ‌ساز، ظریف، پخت کافی، پوشش گلابه‌ای درون و بیرون، افزوده و شانه‌ای، خطوط موج افقی و هلالی روی بدنه	اوایل اسلامی	شیوه ساخت و تزئین	بیشاپور (امیری، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۴) و گیل و هراسکان (کریمیان و جاوری، ۱۳۸۸: ۸۲، طرح ۲۳ و ۳)

بلادشاپور به دست شاپور دوم ساسانی دارد که با نتایج مطالعه یافته‌های باستان‌شناسی هم‌خوانی دارد. شهرهای کوهگیلویه (قرون میانه اسلامی) و دهدشت (دوره صفویه) دارای وجوه مشترکی متعددی هستند که مهم‌ترین وجه اشتراک آن‌ها قدمت این دو شهر و کمبود اطلاعات تاریخی در مورد وضعیت تاریخی آن‌ها در بازه زمانی پیش از دوره صفویه و نیز قرارگیری آن‌ها در یک منطقه جغرافیایی است که می‌تواند نقطه ارتباط و پیونددهنده این دو به یکدیگر باشد. با توجه به آن‌چه تاکنون مطرح شده است، می‌توان شهر و ضرابخانه کوهگیلویه در قرن هشتم و نهم هجری قمری را در موقعیت فعلی شهر تاریخی دهدشت در شهرستان کوهگیلویه مکان‌یابی نمود.

پی‌نوشت

۱. حوزه نفوذ به میدان تأثیر و نفوذ خدمات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک شهر در روستاها، روستا-شهرها، شهرک‌ها، بخش‌ها، شهرهای کوچک مجاور آن اطلاق می‌شود و با در نظر گرفتن امکان دسترسی به مراکز جمعیتی اطراف و به خدمات شهری تعیین می‌شود (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سنجردی، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۶).
۲. «زموم» یا «رموم» جمع «زم» یا «رم»، به محل و قلمرو زندگی افراد (کوچ‌نشینان) فارس گفته می‌شد که شامل: زمیجان، دیوان، لوالجان، کاریان و بازنگان می‌شد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۳۵-۱۳۴؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۸).

کتابنامه

- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۷۴). تاریخ الكامل. ترجمه سید محمد حسین روحانی و محمدرضا آذیر، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن بلخی، (۱۳۸۵). فارسنامه ابن بلخی. به اهتمام: گای لسترنج و رینولد نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- ابن بطوطه، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، (۱۳۶۹). سفرنامه ابن بطوطه. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عیبدالله بن عبدالله، (۱۳۷۱). المسالك و الممالک. ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات میراث ملل.
- آزادی، احمد، (۱۳۸۸). «گزارش‌های بررسی باستان‌شناسی شهرستان کوهگیلویه». یاسوج: بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کهگیلویه و بویراحمد (منتشر نشده).
- استرآبادی، مه‌مهد مهدی بن محمد نصیر، (۱۳۷۷). جهانگشای نادری. با اهتمام: عبدالله انوار، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۷۳). المسالك و الممالک. ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله شتری. به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات ادبی تاریخی.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، (۱۳۷۳). نقاوة الآثار فی ذکرا لاختیار فی تاریخ الصفویه. به اهتمام: احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اقتداری، احمد، (۱۳۷۵). خوزستان و کوهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی آثار باستانی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امیری، مصیب، (۱۳۹۱). «بررسی و مطالعه سفال دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی (مطالعه موردی محوطه‌های تاریخی استخر، شهرگور، بیشاپور، سرمشهد و دارابگرد)». رساله دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
- باستانی‌راد، حسن؛ و مردوخ، دل‌آرا، (۱۳۹۲). «گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران». مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۲؛ صص: ۵۰-۲۱.
- بیضوی، عبدالله بن عامر، (۱۳۸۲). نظام التواریخ. تهران: نشر بنیاد فرهنگی دکتر محمود افشار.
- ترکمان، اسکندربیک منشی، (۱۳۵۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. زیر نظر: ایرج افشار، تهران: نشر امیرکبیر.
- حسینی منشی، محمد میرک‌بن مسعود، (۱۳۸۵). ریاض الفردوس خانی. به کوشش: ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- خدادوست، جواد؛ موسوی کوهپیر؛ تقوی، عابد؛ و پورعلی‌یاری‌گوکی، شهین، (۱۳۹۴). «بررسی و مطالعه تحلیلی سفالینه‌های محوطه مالین؛ شهرستان باخرز (خراسان رضوی)». شماره ۱۳، دوره هفتم، صص: ۱۷۲-۱۵۷.
- چوبک، حمیده، (۱۳۸۳). «تسلسل فرهنگی جازمویان - شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی». رساله دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- خواندمیر، حسینی، غیاث‌الدین، (۱۳۵۳). حبیب‌السير فی اخبار افراد البشر. تصحیح: محمد دبیرسیاقی. مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران: نشر خیام.
- رایگانی، ابراهیم؛ موسوی کوهپیر، سیدمهدی؛ و نیستانی، جواد، (۱۳۹۴). «واکاوی عوامل مؤثر بر ویرانی ارجان پس از چندین قرن رونق و شکوفایی». فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۵، شماره ۲۸، صص: ۴۱-۶۴.

- رجبی، نوروز، (۱۳۹۴). «یافته‌های باستان‌شناسی فصل دوم کاوش‌های محوطه مادآبادالف-مرودشت». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره ۹، دوره پنجم، صص: ۱۹۴-۱۷۴.
- روشنفکر، مهدی؛ و معینی‌رودبالی، رضا، (۱۳۹۹). «نقش سیاسی-نظامی کوهگیلویه در دوره صفویه». مجله پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۸، شماره ۲، صص: ۹۲-۷۷.
- زرکوب شیرازی، معین‌الدین احمد (۱۳۵۰). شیراز نامه. تصحیح: اسماعیل واعظ‌جوادی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ و آورزمانی، فریدون، (۱۳۸۹). سکه‌های ایران: از آغاز تا دوران زندیه. تهران: انتشارات سمت. چاپ هشتم.
- سیاهپور، کشاور، (۱۳۹۵). «موقعیت و جایگاه سیاسی ولایت بهبهان و کوهگیلویه از سقوط زندیه تا آغاز عصر ناصری». مجله پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۵، شماره ۲، صص: ۱۳۶-۱۲۳.
- شریف‌الدین قزوینی، فضل‌الله، (۱۳۸۳). المعجم فی آثار ملوک العجم. به‌کوشش: احمد فتوحی‌نسب، تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شهبازی‌فراهانی، داریوش، (۱۳۸۰). تاریخ سکه قاجار. تهران: انتشارات پلیکان.
- شیروانی، قادر؛ مهرآفرین، رضا؛ و کردستانی، مریم، (۱۳۹۴). «گاهنگاری محوطه باستانی کن‌بینو (تل‌گوینه) براساس مطالعه سفال‌های به‌دست‌آمده از بررسی روشمند». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۹، دوره ۵، صص: ۱۰۶-۸۷.
- عالی، ابوالفضل؛ و خسروزاده، علیرضا، (۱۳۸۴). «سفال‌های دوره ساسانی تا اوایل اسلامی». بررسی باستان‌شناختی میناب شوشتر. به‌کوشش: عباس مقدم، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، صص: ۲۹۷-۲۴۹.
- عسکری‌چاوردی، علیرضا، (۱۳۸۹). «کاوش در بنای معروف به کاخ ساسانی سروستان». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۴۶، صص: ۶۵-۳۷.
- علاء‌الدینی، بهرام، (۱۳۹۶). سکه‌های ایران از اواخر ایلخانان تا دوره استیلای تیمور گورکان و تهران: انتشارات برگ‌نگار.
- علیزاده، عباس؛ امیدفر، مهدی؛ و احمدزاده، لقمان، (۱۳۹۵). سیستم استقرار فرهنگی‌های باستانی دشت رامهرمز، جنوب غربی ایران (نتایج کاوش تل‌گسر و بررسی منطقه‌ای رامهرمز). تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری.
- غفاری، یعقوب، (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی کوهگیلویه و بویراحمد. اصفهان: انتشارات گلها.
- صفی‌نژاد، جواد، (۱۳۸۲). «باران ایران و آبیاری سنتی». فرهنگان، شماره ۱۸، صص: ۶۱-۸.
- قربانی‌رضوان، مریم، (۱۳۹۴). «بررسی و مطالعه تطبیقی سفال‌های منقوش زیرلعاب موزه مقدسه حضرت معصومه علیها‌السلام». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان، (منتشر نشده).
- کتبی، محمود، (۱۳۶۴). تاریخ آل مظفر. به‌اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کریمیان، حسن؛ و جاوری، محسن، (۱۳۸۸). «شهرهای «وگیل» و «هراسکان» در انتقال از عصر ساسانیان به دوران اسلامی با اتکا به داده‌های باستان‌شناختی». مجله مطالعات باستان‌شناسی. شماره ۲، صص: ۸۳-۶۳.
- کریمی، فاطمه؛ و کیانی، محمدیوسف، (۱۳۶۴). هنر سفالگری در دوره اسلامی. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- کسروی‌تبریزی، احمد، (۱۳۸۱). تاریخ پانصدساله خوزستان. تهران: دنیای کتاب.

- گابوه، هانیس، (۱۳۵۹). ارجان و کهگیلویه (از فتح عرب تا پایان دوره صفویه). تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی.
- گروه، ارنست، (۱۳۸۴). سفال اسلامی. ترجمه فرناز حایری، تهران: نشر کارنگ.
- لک‌پور، سیمین، (۱۳۹۰). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره). تهران: انتشارات پازینه.
- مجیدی‌کرایبی، نورمحمد، (۱۳۷۷). تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویراحمد. زیرنظر: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و خوانانی، علیرضا، (۱۳۹۳). «بازسازی تاریخ پادشاهی پارس در دوره اشکانی». مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۱۶۵-۱۴۹.
- محمودآبادی، سیداصغر؛ و منصوریان، مجتبی، (۱۳۸۹). «ضرابخانه‌های ساسانی و فعالیت آن‌ها بعد از سقوط ساسانیان (قرن اول هجری قمری)». مجله تاریخ، دوره ۵، شماره ۱۹، صص: ۱۲۸-۱۰۷.
- مستوفی‌قزوینی، حمدالله‌بن ابی بکر بن محمد، (۱۳۶۶). نزهة القلوب. ترجمه محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات طهوری.
- مسعودی‌نیا، ذبیح‌الله، (۱۴۰۰). «بررسی باستان‌شناختی روند تکوین و فراز و نشیب شهر تاریخی دهدشت». رساله دکتری باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان، (منتشر نشده).
- مقدسی، محمد بن احمد؛ (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی.
- مینورسکی، ولادیمیر، (۱۳۶۲). لرستان و لرها، دو سفرنامه درباره لرستان. ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران: انتشارات بابک.
- نصوحیان، فرناز، (۱۳۹۱). «بررسی و طبقه‌بندی سفال‌های سده سوم تا ششم هجری تپه اشرف». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه هنر اصفهان، (منتشر نشده).
- واله‌اصفهانی، محمدیوسف، (۱۳۷۲). خلدبرین (ایران در روزگار صفویان). به‌کوشش: میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- یاقوت حموی، (۱۳۸۳). معجم البلدان. ترجمه علی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یزدی، شرف‌الدین علی، (۱۳۸۷). ظفرنامه. تصحیح و تحقیق: سیدسعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.